

سیاست خارجی آمریکا در آمریکای لاتین و روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آمریکای لاتین

اشاره

به منظور تدوین منشوری برای شناخت سیاست خارجی آمریکا در آمریکای لاتین و روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین میزگرد تخصصی با حضور کارشناسانی از ایران و آمریکای لاتین در روز ۱۳ آذر ماه ۱۳۸۶ در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه برگزار شد و در آن به پرسش‌هایی چند در مورد رویکرد ایالات متحده به آمریکای لاتین و نیز امکان نفوذ ایران در آمریکای لاتین پرداخته شد. منشور زیر برگرفته از اظهارات بیان شده در این میزگرد است.

اهم سیاست‌های ایالات متحده آمریکا نسبت به آمریکای لاتین

۱. سیاست آمریکا در آمریکای لاتین به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود: (۱) از زمان استقلال کشورهای آمریکای لاتین در قرن ۱۹ تا جنگ جهانی دوم؛ (۲) از جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ سرد؛ و (۳) بعد از پایان جنگ سرد.
۲. رویکرد ایالات متحده به آمریکای لاتین در دوره نخست، متأثر از دیدگاه تجاری-انجیلی بود که برپایه آن آمریکایی‌ها درصدد افزایش ثروت خود از طریق تجارت با این منطقه و نیز تبلیغ مسیحیت در میان مردم آمریکای لاتین بودند.
۳. در دوران جنگ سرد نگاه آمریکا به آمریکای لاتین ژئوپولیتیک-ایدئولوژیک است.

♦ اسرائیل شناسی- آمریکا شناسی

یعنی به خاطر رقابتهای ایدئولوژیک آمریکا- شوروی، ایالات متحده از نظر ژئوپولیتیکی حضور خود را در آمریکای لاتین به منظور جلوگیری از گسترش کمونیسم افزایش می دهد. در این دوره است که آمریکا حتی با مداخله نظامی مانع از قدرت گرفتن چپ ها در آمریکای لاتین می شود.

۴. در دوره سوم و پس از پایان جنگ سرد، هدف اصلی ایالات متحده ادغام کردن آمریکای لاتین در نظام سرمایه داری جهانی است. به خاطر از بین رفتن تهدید شوروی در این دوره، آمریکا برای نخستین بار با رشد دموکراسی در این منطقه از جهان مخالفت نمی کند.

۵. تفاوت میان چپ گرایانی مثل کاسترو و آلنده با افرادی چون چاوز و مورالز در این است که گروه دوم برخلاف گروه نخست منافع آمریکا را به صورت جدی تهدید نمی کند. بنابراین، آمریکا مخالفتی با قدرت گرفتن این افراد از طریق مداخله نظامی ندارد؛ زیرا آنها از چپ بودن به نمادهای آن و نه اقدامات عملی چپ گرایانه اکتفا کرده اند.

۶. جریان جدید شکل گرفته در آمریکای لاتین نوپولیسیسم است که با پوپولیسیسم دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ متفاوت است. در حالی که پوپولیسیسم در این دو دهه در خدمت مخالفت با نفوذ آمریکا و قدرت گرفتن چپ ها بود، نوپولیسیسم به رغم ادعاهای خود تهدیدی برای آمریکا نیست.

۷. ضعف دولتها و جامعه مدنی مهمترین عامل رشد نوپولیسیسم در آمریکای لاتین است.

۸. آمریکای لاتین را می توان حیات خلوت ایالات متحده دانست. آمریکا تاکنون به هیچ بازیگر قدرتمند دیگری اجازه نداده است در حیات خلوت این کشور حضور جدی و موثر داشته باشد.

۹. چهار عامل عمده توجه آمریکا به آمریکای لاتین عبارتند از نفت، مهاجرت، تروریسم و قاچاق مواد مخدر. در شرایط پس از یازدهم سپتامبر و اهمیت یافتن مبارزه با تروریسم برای آمریکا توجه به آمریکای لاتین به طور طبیعی بیشتر شد، اما از آنجا که آمریکای لاتین تهدیدات تروریستی برای آمریکا ندارد، بنابراین، ایالات متحده چندان حساسیتی در این مورد ندارد.

۱۰. از نظر آمریکایی ها نوپولیسیسم در آمریکای لاتین گذرا است و نمی تواند در

بلندمدت تهدیدی برای منافع آمریکا باشد.

۱۱. حتی تغییر رژیمها در آمریکای لاتین نمی تواند انتقال نفت از این منطقه به ایالات متحده را مختل کند.

۱۲. در شرایط فعلی، مهاجرت و قاچاق مواد مخدر دو نگرانی عمده ایالات متحده در آمریکای لاتین می باشد و آمریکا چندان نگران امنیت انتقال انرژی و تروریسم در آمریکای لاتین نیست.

نگاه آمریکای لاتین به ایالات متحده

۱۱۹

۱. برخلاف برخی ادعاها و باورها، آمریکای لاتین یک منطقه همگون از نظر فرهنگی-سیاسی و درجه دولت-ملت سازی نیست. برای نمونه روند دولت-ملت سازی در کشورهای تازه استقلال یافته کارائیب بسیار متفاوت از این روند در آمریکای جنوبی است. از نظر اقتصادی نیز شاهد وجود تنوع در سیاستهای اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین هستیم. برخی کشورها مانند آرژانتین و برزیل به دنبال سیاستهای اقتصاد بازار هستند، اما کشورهای دیگر از سیاستهای اقتصادی حمایتی جانبدارانه می کنند.

۲. سیاستهای اقتصادی نولیبرالیستی مبتنی بر بازار در دهه ۱۹۸۰ پیامدهای منفی اقتصادی در منطقه بر جای گذاشته و افزایش بدهی کشورها یکی از پیامدهای آن است.

۳. نگرش تاریخی در آمریکای لاتین نسبت به ایالات متحده نگرشی همراه با عشق و نفرت بوده است. کشورهای آمریکای لاتین از بسیاری جهات به آمریکا وابسته اند، ولی در عین حال می خواهند استقلال عمل خود را حفظ کنند.

۴. در نظام تصمیم گیری در آمریکای لاتین هم رویکرد واحدی به آمریکا وجود ندارد. در حالی که عده ای خواهان گسترش و تعمیق روابط با آمریکا می باشند، عده ای دیگر از گسترش روابط جنوب-جنوب حمایت می کنند. برای نمونه، در آرژانتین بحث این است که آیا می توان برزیل را به جای آمریکا به عنوان یک هژمون منطقه ای پذیرفت.

۵. در بیشتر کشورهای آمریکای لاتین و حتی آمریکا، افکار عمومی علاقه چندانی به سیاست خارجی ندارند، مگر زمانی که با سیاست داخلی ارتباط داشته باشد. با این حال

♦ اسرائیل شناسی- آمریکا شناسی

نوعی آمریکا ستیزی در آمریکای لاتین در حال رشد است که در مخالفت با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به وضوح خود را نشان داد. جامعه مدنی نیز در آمریکای لاتین رو به رشد است.

نفوذ جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین

۱. با توجه به حساسیت آمریکا نسبت به حضور سایر قدرتهای خارجی در آمریکای لاتین بعید است آمریکا در مقابل گسترش روابط ایران با برخی کشورهای آمریکای لاتین بی تفاوت بماند.

۲. به دلایل مختلف می توان گفت امکان شکل گیری یک رابطه راهبردی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین بسیار کم است.

۳. نباید فراموش کرد جریان نوبوپولیسیم در آمریکای لاتین که چاوز و مورالز از شخصیتهای برجسته آن می باشند، تهدیدی جدی علیه منافع آمریکا نیست. پس اگر از این منظر به گسترش روابط ایران با کشورهایی مانند ونزوئلا و بولیوی نگاه کنیم، این روابط الزاماً تهدیدی علیه منافع آمریکا نیست.

۴. آمریکا برخلاف مورد ایران با غنی سازی در خاک برزیل موافقت کرد؛ زیرا عنصر بی اعتمادی میان آنها وجود نداشت. از این نظر بی اعتمادی میان ایران و آمریکا ممکن است باعث تحریک آمریکا در مورد افزایش ارتباطات میان ایران و برخی کشورهای آمریکای لاتین شود.

۵. روابط کنونی میان جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای آمریکای لاتین بیشتر از آنکه ریشه در منافع راهبردی داشته باشد، ناشی از هم سویی موقت منافع آن دو است.